



چاپاریان، وارطان (**Vártán Cáparyán**) : از صداپردازان و صداگذاران رادیو تلویزیون ایران در تهران.

چارتار (**Čartár**) : سازی است رشته ای مقید از رده تنبور که دارای چهار سیم می باشد. نام های دیگر این ساز عبارتند از: چارتاره و چهارتاره. کاسه طنینی این ساز، بسیار ظریف و کوچک و دسته آن بلند است.



چاردانگ یا چهاردانگ (**Čardáng yá Čárdáng**) : از اصطلاحات موسیقی است. لطفاً به دانگ نگاه کنید.

چار ضرب یا چهار ضرب (**Čarzarf yá Čárzarb**) : نوعی از نواختن ضرب است. در زورخانه ها، چار ضرب، اصطلاحی جهت نواختن مرشد برای نوعی حرکت ورزشی است.

چاشنی (**Čašni**) : نخستین چوبی که در شروع نواختن کوس و نقاره بر آن ها بکوبند.

چاک (**Čák**) : نوعی زنگ بزرگ که در حوالی ترکیه معمول بوده. این زنگ همان درای فارسی است.

چاکر و گهرام (**Čáker va Gahrám**) : طولانی ترین شتر (نوعی داستان گوئی همراه با موسیقی در بلوچستان) است که گاهی روایت آن تا ۱۰ ساعت طول می کشد.

چالانچی خان (**Čalánci-xán**) : موسیقیدان مشهور در زمان فتح علیشاه. در زبان ترکی به نوازنده چالانچی می گویند. عده ای عقیده دارند که چالانچی خان همان حسن خان معروف به سنتور خان است. البته سنتور خان از نوازندگان زبردست اوایل دوره ناصری بود. احتمال دارد دو موسیقیدان بنام چالانچی خان بوده اند یکی در زمان فتح علیشاه و دیگری معاصر ناصرالدین شاه.

Á,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
Ž,z ژاله (Žále) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

چالپاره (Calpare) : سازی است ضربی که بنام های جلباره، چار پاره و چال پره نیز خوانده می شود و این ساز، زنگ های کوچکی است که رقصان موقع رقصیدن در انگشتان خود می کنند و به تناسب موسیقی آن را به صدا در می آورند.

چال شتری، شیدا (Seyda Cal-sotori) : شاعر و ترانه سرای فعال در سال های پیش و پس از ۱۳۱۰ خورشیدی و از همکاران نزدیک استاد مرتضی محجوبی و استاد تاج اصفهانی.

چاله حصاری، حبیب اله (Habib-ollah Cale-hesari) : اذان گوی سوگلی ناصرالدین شاه؛ انیس الدوله که بعد به خوانندگی روی آورد. ناصر الدین شاه او را ملایم حضور خطاب می کرد، چون او آهسته می خواند. بعد ها این خواننده لقب "ضیاء خلوت" می گیرد.

چامه (Came) : کلام منظوم، غزل، سرود، نغمه، آهنگ و آواز.

چامه برساختن (Came Barsaxtan) : سرود ساختن، نغمه ساز کردن.

چامه زدن (Came zadan) : ساز زدن، نوازندگی.

چاودیر بخشی (Cavdir Baxsi) : موسیقیدان مشهور و نابینای ترکمن صحرا که در سال ۱۲۵۸ در روستای کُترند بدنیا آمد.

اولین استاد او، هنرمندی بود بنام بوزلی بخشی که تمام سبک های موسیقی ترکمن صحرا را بخصوص "دامانا" و "گرگان یلی" را به او آموخت. چاودیر بخشی، حدود چهل سال به کار نوازندگی و خوانندگی پرداخت و در سال ۱۳۱۷ بدرود حیات گفت.

چاووش (Cavus) : چاووش معنی هائی بشرح زیر دارد:

- ۱ پیش قافله زیارت کنندگان که آوازه های مذهبی می خواند
- ۲ در موسیقی بلوچستان، به معنی همدستان خلیفه که رهبری مراسم مولودی را بعهده دارد، اطلاق می شود.

- ۳ نام موسسه موسیقی که توسط گروه شیدا و عارف، پیش از تغییر رژیم تاسیس و تا مدتی پس از سال ۱۳۵۷ فعالیت داشت و سپس به تعطیل کشیده شد، می باشد.

آ,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Ş,ş سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
 Z,z وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) U,u C,c زاله (Zâle) Z,z

چاووش، شیخ [Şeyx Cāvus] : آواز خوان مشهور کرمانشاهی و معلم شیخ حسن داودی، خواننده سرشناس کرمانشاهی که در سال های پیش و پس از ۱۳۳۵ در کرمانشاه فعالیت داشت.

چاووش، محمد علی [Mohammad Ali Cāvus] : از شاعرهای معروف کردستان.

چایچی، سید جواد [Seyyed Javād Cáyci] : سازنده مشهور تار، سه تار و کمانچه. زنده یاد، استاد سید جواد چایچی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در شهر اصفهان بدنیا آمد. او، تحصیلات خود را در مدرسه صنعتی اصفهان پایان برد و بعد ها، در همان مدرسه به مدت ۲۷ سال به تدریس صنایع گوناگون چوب مشغول شد. در کارهای هنری - چوبی، او نزد استادهایی چون: زنده یاد لئون، علمدار، ضیاء و غلامرضا قربانی آموزش دید تا خود به درجه استادی رسید. استاد سید جواد چایچی در سال ۱۳۵۹ بنا به توصیه استاد حسن کسائی، هنرمند بزرگ و ارزنده برنامه گلهای رادیو تهران، اقدام به ساختن ویلن، سه تار، تار، سنتور، کمانچه، قیچک و ضرب نمود.

الگوی این هنرمند، برای ساختن سازهای مختلف، تبعیت از شیوه هنرمندانی چون استاد فرج اله، یحیی اول، یحیی دوم، عباس صنعت، جعفر صنعت، شاهرخ، خاچیک، گلی، ملکم و آمارسون برای تار. عشقی، آقا جلال، مفتاح السلطان، نریمان، علی محمد صفائی برای سه تار. کمانچه را از روی ساخت کار هنرمندان منطقه خرم آباد لرستان و بختیاری و سنتور را از روی کارهای استاد مهدی ناظمی انتخاب می کرد. زنده یاد چایچی در روز ۲۳ شهریور ماه ۱۳۷۲ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

چبچیق [Cebciq] : از آلات بادی قدیمی متشکل از نای هائی متصل به هم که از یک سر به محفظه ای خیک مانند پیوسته و با دمیدن در لوله اتصالی به محفظه و حجیم شدن آن، باد بداخل نی ها رفته و صوت ایجاد می کند.

چپ [Cap] : نا سازی ساز، خارج شدن نوازنده و خواننده از راه و اصول موسیقی.

چپ کوک [Cap Kuk] : کوکی متناسب با صوت بانوان. نقطه مقابل آن راست کوک است که متناسب با صوت مردان است.

چپله [Caple] : چپله یا چپلا شامل ترانه ها و آوازهای شاد و ریتمیک در موسیقی منطقه اورامان و کردستان است. چپله، گاهی، بی همراهی ساز و تنها با کف زدن حاضران اجرا می شود. این موسیقی بیشتر خاص مراسم عروسی و شادی است. این موسیقی، دارای تقارن ریتمیک دو تایی است که اغلب به مانند سایر آوازهای کُردی چون: سیا چمانه، گوش و ... دارای وزن ده هجائی دو مصرعی می باشد.

چپ مضراب [Cap Mezrâb] : اصطلاحی در نحوه مضراب زدن که با علامت ۷ (هفت) مشخص می شود. علامت ۸ (هشت) مختص مضراب راست است.

چی، رینگ رقص [Renge Raqse Capi] : رینگ رقص در میان کردان و بلوچ ها. این رینگ در میان درویشان نیز رایج است. چی روی سُل، یا فا نواخته می شود. اما برخی آن را همیشه روی می، پیش از بالا رفتن روی سُل می نوازند.

چر [Car] : نغمه، سرود.

چراغچی، محسن [Mohsen Cerâqci] : از هنرمندان قدیمی و هم‌دوره با استاد علی تجویدی، حسین یاحقی، مهدی خالدی، اکبر محسنی، عباس شاپوری، حشمت اله جودکی، شاپور نیاکان و ابراهیم منصوری.

چراغ، حاج علی ابراهیم [Hâj Ali Ebrâhim Cerâq] : مرشد و صاحب زورخانه چراغ که در کوچه حمام چال در گود زنبورک خانه واقع بود.

چرخ [Carx] : سازی است کوبه ای از رده دف و دایره که در ساختمانش پوست بکار رفته است.

چرمگر، امیر [Amir Carmgar] : خواننده جوان ساکن تهران با آلبوم "طرح پرواز" از کارهای آهنگساز و ترانه سرای مشهور؛ سعید دبیری.

چشم آذر، اسماعیل [Esmâwil Ceşm-âzar] : اسماعیل چشم آذر در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در بادکوبه قفقاز بدنیا آمد. در کودکی به ایران آمد و تحصیلات ابتدائی خود را در تبریز گذراند. بعد ها، در تهران به آموختن و نواختن کمانچه، تار و ویلن نزد استادهایی چون: ابوالحسن صبا و حسین یاحقی پرداخت.

آدم (Adam) A,a Á,a سرکش (Sarkes) S,s K,k Ş,s جمع (Jamw) J,j W,w غرق (Qarq) Q,q خیام (Xayyâm) X,x Y,y
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v جوب (Cub) C,c جوب (Zâle) Z,z

در سال ۱۳۲۹ فعالیت و همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. ناصر چشم آذر، هنرمند گرانقدر ایران، فرزند ایشان هستند.

چشم آذر، منوچهر [Manucehr Cešm-azar]: نوازنده برجسته فلوت، آهنگساز، تنظیم کننده آهنگ و رهبر ارکستر که از فعالیت بسیار خوبی در آمریکا برخوردار است. منوچهر چشم آذر با اکثر خوانندگان خارج از کشور خصوصاً آن هائی که ساکن لس آنجلس هستند همکاری نزدیکی دارد. منوچهر چشم آذر، علاوه بر فلوت، نوازنده زیردستی در سازهای پیانو و کی بورد است.

چشم آذر، ناصر [Nāser Cešm-azar]: نوازنده مشهور پیانو، آهنگساز، تنظیم کننده. عضو فعال ارکستر جوانان تلویزیون ایران که در سال ۱۳۶۷ به تعطیل کشیده شد. "هجرت" با صدای گوگوش، از آهنگ های جاودانه این هنرمند بزرگ است. ناصر چشم آذر از سازندگان موزیک متن فیلم در ایران است و او برای فیلم هائی چون: "باغ بلور" (۱۳۵۸) با شرکت پرویز فنی زاده و لیلا فروهر، "تاراج" (۱۳۶۴) فیلمی از ایرج قادری و با شرکت بهزاد جوان بخش و جمشید آریا، "سمندر" (۱۳۶۴) با شرکت فرامرز قریبیان و ولی شیراندازی، "اجاره نشین ها" (۱۳۶۵) فیلمی از داریوش مهرجویی و با شرکت عزت اله انتظامی و اکبر عبدی، "کمینگاه" (۱۳۶۶) با شرکت فرامرز قریبیان و حسین ملا قاسمی، موزیک متن ساخته است.

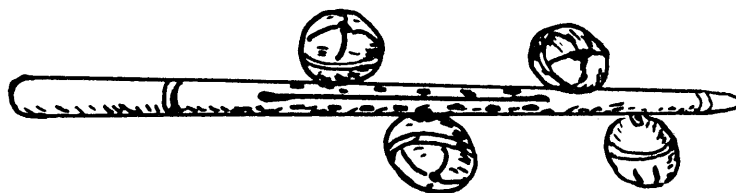
چغانه [Caqâne]: سازی است ضربی و در ضمن رشته ای. چغانه بر چند نوع ساز اطلاق می شود:

- ۱ به سازی گفته می شود که از یک محفظه گرد یا بیضی شکل از چوب، فلز و کدو تشکیل شده باشد. درون این محفظه، زنگوله و یا سنگ ریزه ریخته و بر آن دسته ای گذاشته، با تکان دادن آن، آن را بصدا در می آورند. نوع ابتدائی آن، آخلکند یا جغجغه است. نوعی از آن که در موسیقی جاز استفاده می شود؛ ماراکا نام دارد. انواعی از آن در زمان ساسانی رایج بوده است.

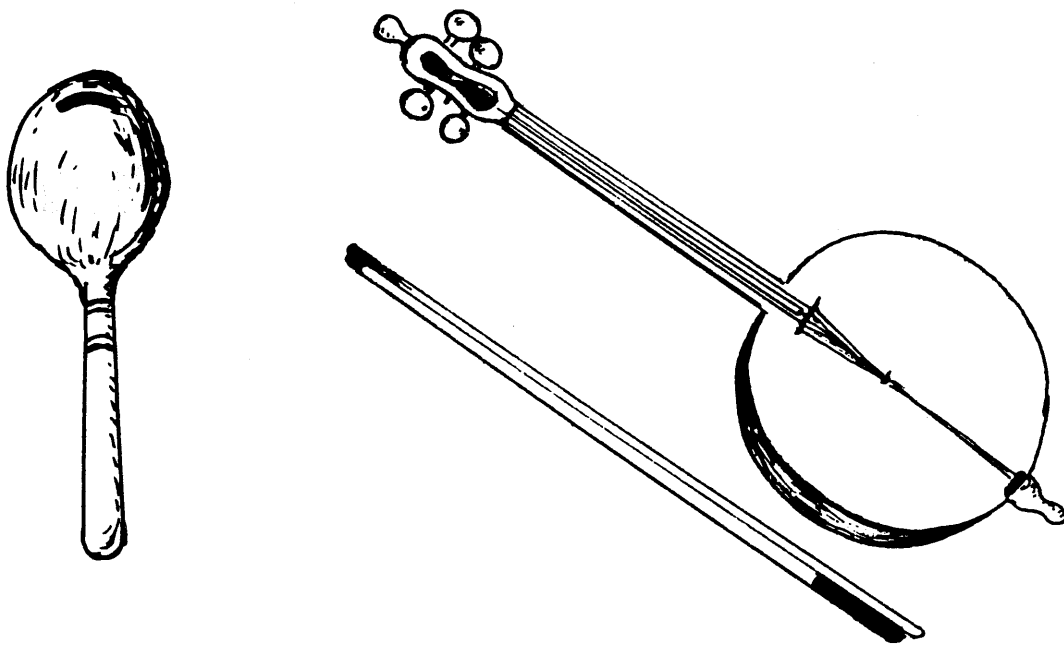
۲ سازی است بنام چغانه، ولی وابسته به خانواده سازهای رشته ای مطلق، نظیر؛ قانون است.

۳ سازی است رشته ای مقید، نظیر کمانچه.

نام های دیگری از این ساز در نقاط مختلف وجود دارد که می توان به: چیکاره و چغبه که ظاهراً همان چغنه است؛ چگک و چکاو، و یا چکاوک اشاره داشت.



A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
 Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن



چغانه، متداول در داغستان

چفته نقاره [Cefte Neqâre] : یک جفت نقاره که در قدیم معمول بوده است.

چکاو یا چکاوک [Cakâv yâ Cakâvak] : لطفاً به چغانه نگاه کنید.

چکاو نام لحنی در موسیقی قدیم ایران نیز بوده است. چکاوک: گوشه ای است در دستگاه همایون و نیز نام لحنی است در دوره ساسانیان.



چکک [Cakak] : نام لحنی است در موسیقی دوره ساسانیان.

چکناوریان، لوریس (Loris Cknávoryán) : موسیقیدان و رهبر ارکستر سنفونیک تهران، لوریس چکناوریان، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات متوسطه به اتریش رفت و از آکادمی موسیقی وین فارغ التحصیل گشت. در ایران به غیر از آهنگسازی و رهبری ارکستر سنفونیک تهران با ساختن موسیقی متن فیلم "جلد مار" در جرگه آهنگسازان فیلم قرار گرفت. فیلم های دیگری که او برای آن ها موزیک متن ساخته است عبارتند از: "چهلستون"، "هشت بهشت"، "عالی قاپو"، "معماری سلجوقی"، "معماری تیموری"، "معماری ایلخانی"، "بناهای صفوی"، "مناظر ایران"، "توریست در ایران"، "بی تا" با شرکت گوگوش، "تنگسیر" با شرکت بهروز وثوقی و "به امید دیدار".

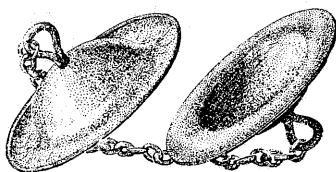
استاد چکناوریان در حال حاضر در یروان (ایروان) پایتخت ارمنستان، به رهبری ارکستر سنفونیک آن جا اشتغال دارد.

چگبند (Cagband) : از اجزای ساز تبیره (ساز محلی بلوچستان). این ساز سه سیم داشته که از روی شیطان و چگبند عبور کرده و به کوک ها بسته می شود.

چگک (Cagak) : لطفاً به چغانه نگاه کنید.

چگور (Cogur) : سازی شبیه به دو تار یا تنبور که دارای دو سیم می باشد. این ساز در میان ترکمن ها رایج است. چگور ساز اصلی عاشق هاست.

چلب (Calab) : سازی است ضربی از رده سنج که بر دو گونه است: یک شکل آن از دو صفحه مدور بزرگ فلزی تشکیل یافته که در جنگ ها و جشن های میدانی از آن استفاده می کردند و هم اکنون بنام سنج خوانده می شود که در ارکستر به آن سمبال گویند، و نوع دیگر آن چهار صفحه مدور فلزی است که رقصان هر دو عدد از آن ها را بر انگشتان یک دست می بندند.



چلستا (Celestà) : از آلات موسیقی کوبه ای شتی دار، متشکل از تعدادی ورقه فلزی به هیات پیانوی دیواری.

آ,â A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkeš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Ž,ž زاله (Žale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdán) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

چمران، مهندس [Mohandes Camrán] : بانی و تشکیل دهنده ارکستر بزرگ نظامی با همکاری جعفر زعیمی نیکو در تهران. سال تاسیس این ارکستر ۱۳۷۰ خورشیدی بود.

چمری [Camari] : از آهنگ‌های خاص کردهای غرب ایران که در مراسم عزاداری و تشیع جنازه می‌نوازند.

چناریان، خسرو [Xosro Cenáryàn] : نوازنده نابینا و شیرین‌پنجه ویلن. خسرو چناریان در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، در خانی آباد تهران بدنیا آمد. بعلت بیماری نهفته ارثی، ناشی از ازدواج خویشاوندی والدینش، نابینا بدنیا آمد. در ۹ سالگی بنا به توصیه دوستان، او را به سازمان نابینایان خدمات اجتماعی در میدان شوش می‌سپارند. در آن سال‌ها، استاد حسین علی‌وزیری تبار، به امر تعلیم نابینایان پرداخته بود. در سال ۱۳۳۹، زمانی که خسرو چناریان ۱۱ سال بیش نداشت. سازمان نابینایان خدمات اجتماعی منحل شد و خسرو چناری با ویلنی که پدرش به او داده بود به کلاس استاد یحیی نیک‌نواز واقع در دروازه شمیران رفت. در چهارده سالگی، خسرو چناری به مدرسه میسیونرهای آلمانی در اصفهان می‌رود. در اصفهان، این هنرمند با استاد رحمت‌اله بدیعی آشنا می‌شود و ۲ سال از ایشان مشق ویلن می‌گیرد. این هنرمند گرا نقدر نابینا به زبان‌های آلمانی و انگلیسی تسلط کامل دارد.

چنبر [Canbar] : قسمت کناری یا دور ساز دایره، یا دف را گویند.

چنگ [Cang] : سازی است از خانواده سازهای رشته‌ای مطلق که نوع تکامل یافته آن را هارپ گویند. تارهای این ساز از جنس ابریشم تابیده بوده است.



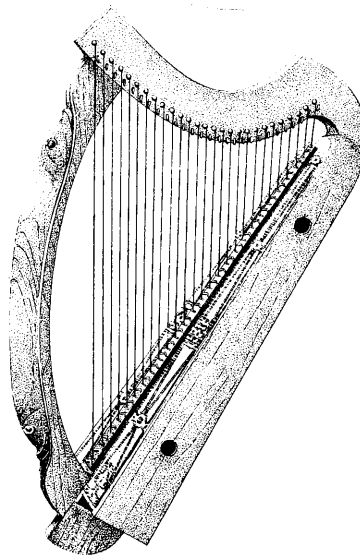
چنگ، نخستین ساز رشته‌ای بشر است که نوع ابتدائی آن چنگ کمانی است. زهی که به کمان شکارچیان

A,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyám)
Z,z زاله (Zále) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdán) I,i ایران (Írán) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

و رزمندگان دوران های اولیه نصب بود، موجب پیدایش این ساز گشت. نواختن این ساز ابتدائی هم اکنون در سنگال مرسوم است.



در حفاری های چغامیش خوزستان، در سال ۱۹۶۱، مَهری بدست آمد که در آن نقش چنگ مربوط به ۵۴۰۰ سال پیش بر آن نقش بسته است.



چنگ [Cang] : به یک هشتم (۱/۸) واحد موسیقی از نظر کشش یا سکوت یک نت (اگر واحد گرد فرض شود) اطلاق می شود.

چنگ آئولین [Cang Äolin] : چنگ متعلق به یونان باستان. سازی که تارهایش توسط جریان هوا به ارتعاش در می آمده است.

A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

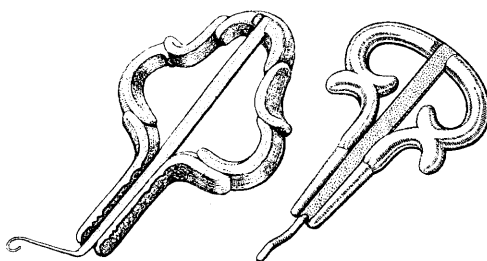
چنگ آسوری (Cange Āsuri) : چنگی مثلثی شکل که نوازنده هنگام نواختن آن را زیر بغل چپ گذاشته و جهت قطع صدای آن، دست چپ را روی سیم ها می نهادند. این ساز ده سیم داشته است.



چنگ آسوری

چنگال (Cangāl) : چوب کلفتی که با آن دُهل نوازند.

چنگ دهن (Cang Dahan) : نام سازی آهنی است که به دهان گذاشته و با ارتعاش زبانه آن، آن را بصدا در می آورند. این ساز در بیشتر نقاط ایران بنام زنبورک و در بلوچستان بنام چنگ دهن نامیده می شود.



چنگر (Congor) : سازی است رشته ای مقید از رده تنبور. به نظر می آید چنگر یا چنگور باید نوعی چنگور باشد، با این تفاوت که کاسه طنینی چنگر، شکل گلدان یا خمره است که از وسط دو نیم کرده اند. تعداد سیم های این ساز، چهار می باشد.

Ā,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdān) I,i ایران (Iran) وات های (القای) نوین برای درست خواندن

چنگ، فروشگاه لوازم موسیقی [Frusgâhe Lavâzeme Musiqiye Cang] : در مشهد، سال های پیش و پس از ۱۳۱۰ خورشیدی به سرپرستی حاج علی متبسم.

چنگ، کانون هنری [Kânune Honariye Cang] : آموزشگاه تعلیم موسیقی واقع در جاده قدیم شمیران، نبش سه راه زندان، که با سرپرستی استاد جهانگیر کامیان اداره میشود.

چنگ، مجله [Majaleye Cang] : مجله ویژه موسیقی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی به مدیریت استاد روح اله خالقی و سردبیری لطف اله مفخم پایان که بطور فصلی چاپ می شد. اولین شماره آن در فروردین ۱۳۲۵ چاپ و منتشر شد. از این مجله تنها چهار شماره به چاپ رسید.

چنگله [Cangale] : سازی است رشته ای مطلق از خانواده چنگ.

چنگی، رسول [Rasul Cangî] : نوازنده زبردست تار در دربار ناصرالدین شاه. رسول چنگی، پدر جعفر خان نوازنده مشهور عهد ناصرالدین شاه است. برای آگاهی بیشتر، لطفاً به جعفرخان نگاه کنید.

چنگی، علیرضا [Ali-Rezâ Cangî] : نوازنده مشهور کمانچه و از معلمین استاد مهدی خالقی. علیرضا چنگی، شاگرد جواد خان قزوینی بوده، او از سن سیزده سالگی نواختن ساز را نزد استاد شروع و ۱۷ ماه به این کار ادامه داد. پس از طی این دوره همراه با جواد خان قزوینی، بدربار مظفرالدین شاه رفت و جزء هیئت نوازندگان مخصوص شد. بعد ها، علیرضا چنگی، بدربار محمد علی شاه رفت و در آن جا نوازندگی نمود.

علیرضا چنگی در سال ۱۲۶۲ خورشیدی بدنیا آمد. او ردیف های موسیقی را نزد داود شیرازی، نوازنده چیره دست تار آموخت. علیرضا چنگی وقتی کودک بود، بنا بدستور مظفرالدین شاه حق نداشت به غیر از دربار در جایی دیگر ساز بزند. روزی بنا به اصرار درباریان او شروع به نواختن می کند و این خبر بگوش مظفرالدین شاه می رسد. شاه خشمگین، دستور می دهد دست او را قطع کنند. در باریان روی دست و پای شاه افتاده و می خواهند که شاه از تصمیم خود صرف نظر کند. شاه از گناه!! این هنرمند گذشته ولی دستور می دهد او را فلک کنند. فراشان دربار آنقدر این هنرمند را می زنند که او چند بار بیهوش شده و پس از هوش آمدن با تکرار ضربه های ترکه مجدداً بیهوش می شود.

چنگی ها [Cangihā] : نوازندگان کرنا، ساز و نقاره در ایل قشقائی هستند. لطفاً برای آگاهی بیشتر به قشقائی، موسیقی نگاه کنید.

چوب شناسی [Cub Šenāsi] : چوب شناسی از نخستین و مهمترین مراحل در مبحث ساز سازی یا ساز تراشی آلات موسیقی است.

چوب هائی که برای سازهای ایرانی به کار می برند عبارتند از: گردو، شمشاد، توت، شاه توت، توت سیاه، آزاد و فوفل.

بهترین چوب برای سنتور، چوب گردو، آزاد، فوفل و جنگلی قنداقی است.

بهترین چوب برای تار و سه تار چوب درخت توت است، که در تنبک سازی هم استفاده می شود.

چوب گردو در ساختن ساز قانون، و برای مضراب های سنتور از چوب های گل سرخ، ازگیل، به و گردو استفاده می کنند.

چوبک [Cubak] : سازی است ضربی و آن دو تکه چوب استوانه گونه مقاوم و تراش خورده است که نوازنده یکی را بدست راست و دیگری را به دست چپ می گیرد و با زدن آن ها بهم اصول و وزن موسیقی را نگه می دارد.

چوبگین [Cubgin] : عصای کوچک بنام کجکه که برای نواختن دهل از آن استفاده می کنند.

چوب میزانه [Cube Mizāne] : به چوب رهبری گروه و یا ارکستر اطلاق می شود.

چوپانی [Cupāni] : گوشه ای در آواز دشتی است.

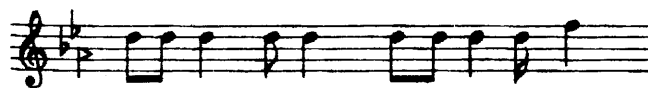


چوری [Curi] : سازی است بادی، لطفاً به جوری نگاه کنید.

چوملک [Cumlak] : سازی است کوبه ای که به آن چومیلک [Cumbalak] و یا دمبلک [Dombalak] نیز گویند. بدنه این ساز از سفال بوده و آن را به همراه سورنای می نوازند.

A,a آدم (Ādam) S,s سرکش (Sarkēš) J,j جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c چوب (Cub) V,v وجدان (Vojdān) I,i ایران (Irān)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

چهار باغ [Cahâr Bâq] : گوشه ای است ضربی با کلام و بی کلام که در حجاز ابوعطا و ماهور می آید.



چهار برسه [Cahâr Bar se] : اجرای چهار نت در فاصله زمانی سه نت را گویند.

چهارپاره [Cahârpâre] : لطفاً به چالپاره نگاه کنید.

چهار تاری، استاد شهبسوار [Ostâd Šahsavâr Cahâr-Târi] : نوازنده معروف چهار تار در زمان صفویه.

چهار تیکه [Cahâr Tikke] : لطفاً به چهار گوشه نگاه کنید.

چهار چهارم [Cahâr Cahârom] : در موسیقی یکی از تقسیمات میزان است، به این معنی که واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر چهار شده و در هر میزان چهار قسمت از آن بکار رفته باشد، یعنی چهار سیاه در هر میزان، که به آن چهار چهارم گویند.

چهار دوم [Cahâr Dovvom] : از تقسیمات میزان است. اگر واحد کشش (اگر گرد فرض شود) بخش بر دو شده و چهار قسمت از آن در هر میزان بکار رفته باشد، یعنی چهار سفید در هر میزان، اصطلاح چهار دوم تحقق یافته است.

چهار شین [Cahâr Šin] : چهار گوشه؛ عشاق، گوشت، عشیران و نیشابورگ را در دستگاه نوا گویند.

چهار ضرب [Cahâr Zarb] : نام یکی از اوزان قدیم موسیقی ایرانی.

چهار فصل، کلوب [Klube Cahâr-fasl] : مکانی برای عرضه هنر تاتر و موسیقی در تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۲۵ خورشیدی. در این کلوب، اپرت دخترک بت پرست یاد آور خاطرات گذشته می

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zâle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

باشد که در آن عزت روح بخش در سن ۱۶ سالگی به ایفای نقش و خواندن پرداخته بود.

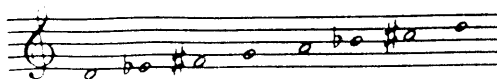
چهار گاه [Cahâr gâh]: یکی از هفت دستگاه اصلی موسیقی و نام یکی از ۲۴ شعبه موسیقی قدیم. آواز چهار گاه، نمونه کاملی از تمام حالات و صفات موسیقی ایران است، زیرا در آمد آن مانند ماهور، متین و شاد و خندان است. آواز زابل در آن غم دارد و گوشه مخالف در آن، حالت شکایت و گله. آهنگ مشهور مبارک باد در این دستگاه است.

چهار گاه به روایت زنده یاد میرزا عبدالله از گوشه های زیر تشکیل یافته است:

- ۱- در آمد اول، ۲- در آمد دوم، ۳- پیش زنگوله و زنگوله یا در آمد سوم، ۴- در آمد چهارم، ۵- نغمه، ۶- کرشمه و کرشمه با مویه، ۷- زنگ شتر، ۸- زابل، ۹- بسته نگار، ۱۰- مویه، ۱۱- حصار، ۱۲- قسمت دوم، ۱۳- قسمت سوم با چهار مضراب، ۱۴- پس حصار، ۱۵- مویه، ۱۶- مخالف، ۱۷- قسمت دوم، ۱۸- حاجی حسنی، ۱۹- بسته نگار، ۲۰- مغلوب، ۲۱- نغمه مغلوب، ۲۲- حرین، ۲۳- حُدی، ۲۴- پهلوی، ۲۵- رجز، ۲۶- منصوری، ۲۷- قسمت دوم، ۲۸- قسمت سوم، ۲۹- لزگی، ۳۰- متن و حاشیه، ۳۱- رنگ شهر آشوب.



چهار گاه فرنگی [Cahâr Gâhe Farangi]: چهار گاهی که در پیانو با کوک اروپائی به شرح چهار نیم پرده و دو دوم افزوده و یک پرده، به اجرا در می آید.



چهار گاه بزرگ [Cahâr Gâhe Bozorg]: یکی از ۲۴ گوشه در موسیقی قدیم ایران. گوشه ای از شعبه بیاتی.

چهار گوشه [Cahâr Guse] : از نغمات و الحان ردیف در دستگاه شور. نام دیگر چهار گوشه چهار تیکه است.



چهار لا چنگ [Cahâr-lâ-cang] : به یک شصت و چهارم (۱/۶۴) واحد موسیقی، از نظر کشش یا سکوت یک نت (اگر واحد گرد فرض شود) اطلاق می شود.



چهار مضراب [Cahâr Mezrâb] : شکلی است در موسیقی ایرانی که سابقه طولانی دارد و در زمان استاد ابوالحسن صبا، کامل شده است. چهار مضراب، قطعه ای است ضربی که در وزن ها و میزان بندی های مختلف نوشته می شود. امروزه انواع مختلف چهار مضراب متداول است.

چهار میزان سکوت [Cahâr Mizâne Skut] : علامتی که نشانگر چهار میزان سکوت در یک قطعه موسیقی است.



چهار هشتم [Cahâr Haštom] : از تقسیمات میزان است، یعنی چهار چنگ در هر میزان.

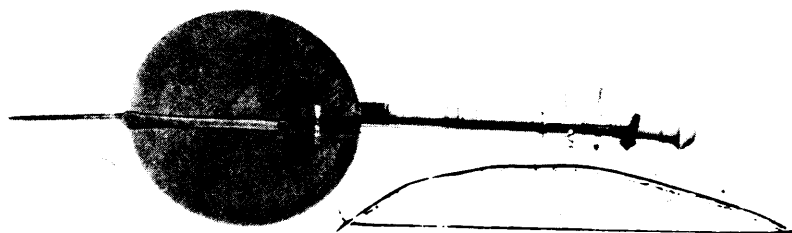
چهرده [Cehzade] : سازی است رشته ای مقید شبیه به عود با هشت تار یا سیم مزدوج (۱۶ سیم)، که دو به دو، هم کوک هستند. نام دیگر این ساز، چه هژده است که می بایستی رباب ۱۸ سیمه باشد.

چهرازی [Cahrāzi] : خواننده سرشناس ترانه های محلی بختیاری. از این خواننده، آلبوم "جدائی" در دسترس می باشد.

چهره نما، کمپانی [Kompāniye Cehre-namā] : شرکت تولید و پخش کاست، CD و ویدئو موسیک ایرانی که در آمریکا فعالیت دارد.

چهل و دو، استودیو [Studio Chel-o-do] : استودیو ۴۲ از استودیوهای قدیمی ضبط و تولید نوار CD موسیقی ایرانی در آمریکا. مسئول ضبط این استودیو مهندس یوسف شهاب است.

چیانوری [Ciyānuri] : سازی است رشته ای مقید از رده کمانچه. کاسه طنینی آن بزرگ است و بر دهانه اش پوست کشیده اند. این ساز، دارای سه سیم از جنس زه می باشد. آرشه آن نیز از یک چوب منحنی که دسته ای مو بر آن استوار است ساخته شده است.



چیمبالوم [Cimbālom] : سازی است ضربه ای و زهی، شبیه به سنتور، با مضرابی بلند و با وسعت صدای چهار اکتاو. می گویند، پیانو را از روی این ساز ساخته اند. این ساز بیشتر در مجارستان رایج است.

چینی [Cini] : بنام سرود و لفظ و پرده ای در موسیقی قدیم آمده است. چینی، نام سازی نیز می باشد که در موسیقی نظام مورد استفاده است.

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

چیوند (Civand) : اشعاری که بختیاری ها در سوگواری می خوانند.

چیونه (Ciyune) : از الحان موسیقی بختیاری.